

در قراردادهایی که شرط داوری در حل اختلاف پیش‌بینی شده است، به لحاظ عدم استقلال شرط از اصل قرارداد، داور نمی‌تواند رأی به انحلال قرارداد دهد زیرا با این چکیده: فرض، شرط داوری نیز به تبع قرارداد زوال خواهد یافت و داوری که سمت خود را از دست داده نمی‌تواند در مورد اصل قرارداد اتخاذ تصمیم کند.

شماره رای نهایی: ۱۳۸۸/۱۵۰۲۲۰۹۹۷۰۹۲۰

تاریخ رای نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

رای بدوی

در خصوص دعوی آقای الف. الف. با وکالت آقایان ع.ح. و ح.م. علیه آقایان الف. الف. - ب.ب. الف. و الف. س. مبنی بر صدور حکم به ابطال رأی داوری با احتساب خسارات قانونی نظر به اینکه رأی داوری موضوع ابطال به جهت ذیل دارای ایراد است نخست همان‌گونه که مورد ایراد وکلای محترم خواهان نیز واقع شده است آنچه در قرارداد به‌عنوان شرط داوری مقرر شده است حاکی از تعیین مشاور املاک به‌عنوان داور است و این در حالی است که مطابق سند تقدیمی آقایان وکلای محترم خواهان مدیریت مشاور املاک و مالکیت آن شخص غیر از داور اظهار نظر کننده است و مشخص نیست چگونه ایشان صالح به داوری دانسته شده البته خواندگان نیز در این مورد دلیلی مخالف ارائه ننموده‌اند دوم فسخ قرارداد در حقوق ایران منحصر به موارد مورد تصریح قانون یا تخلف از شروط قرارداد که موجد حق فسخ باشد است در حقوق موضوعه (مطابق مستفاد از مواد ۲۳۷-۲۳۹ قانون مدنی) انجام تعهد از جانب متعهد ابتدائاً برای متعهدله حق فسخ ایجاد نمی‌کند بلکه در صورتی که الزام وی ممکن نباشد حق فسخ ایجاد می‌شود در نتیجه رأی داوری که مبتنی بر نقض عهد آقای الف. الف. است موافق قواعد ماهوی یادشده نیست سوم آنکه رأی موضوع ابطال منتها تاریخ وقوع فسخ را که موجد آثار بسیاری است مشخص ننموده اساساً نه اسباب موجهی دارد نه اینکه استنادات حکمی‌اش مشخص شده است (مقارن با ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی) چهارم رأی صادره منتها فاقد تاریخ است بلکه درخواست صدور رأی نیز فاقد تاریخ بوده و اساساً مشخص نیست زمان داوری چه میزان بوده و رأی در زمان معتبر صادر شده یا خیر (بند ۴ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی) علاوه بر این سایر شرایط از جمله مشخصات دقیق داور و تعداد آن‌ها مطابق ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی رعایت نشده است در نتیجه رأی موضوع دعوی بطلان بنا به جهت یادشده بی‌اعتبار است و دادگاه به استناد مواد ۴۵۸-۴۶۴-۴۶۵-۴۸۲ (بند ۴-۱) ۴۸۲-۴۸۲-۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بطلان رأی داوری صادره توسط مشاور املاک س. صادر می‌گردد در خصوص هزینه دادرسی و حق الوکاله نظر به اینکه صدور حکم به این متفرعات تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی از جمله تسبیب است و در مورد مطروح مبنای ابطال رأی داوری ناشی از نحوه انشاء شرط داوری و جریان رسیدگی است و نمی‌توان ابطال رأی را به تقصیر خواندگان منتسب ساخت در نتیجه به استناد مواد ۱۹۷-۱۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بی‌قبحی خواهان صادر می‌نماید در خصوص دعوی آقایان الف. الف. - ب.ب. الف. و الف. س. با وکالت آقای ح.ب. علیه آقای الف. الف. با وکالت آقایان ع.ح. و ح.م. مبنی بر ۱- صدور حکم مبنی بر تنفیذ فسخ قرارداد مشارکت به شماره ۳۸۱۲ مورخ ۴/۶/۹۱ به علت تخلف از شرط ۲- استرداد مال‌الشرکه با احتساب خسارات قانونی نظر به اینکه دعوی طرح شده به جهت ذیل دارای ایراد است. نخست همان‌گونه که مورد ایراد وکلای محترم خوانده نیز واقع شده و خواهان‌ها نیز در توضیحات مذکور در دادخواست اشاره ننموده‌اند موضوع وقوع فسخ قرارداد از ابتدا و توسط همین خواهان‌ها نزد داور مطرح و در این خصوص رأی صادر شده است و این در نتیجه تعیین شرط داوری در قرارداد منشأ دعوا بوده است. بنابراین موضوع از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار است و باوجود صدور رأی از سوی داور طرح مجدد دعوا نزد دادگاه وجاهت ندارد و اگرچه به‌موجب رأی فوق‌الذکر بی‌اعتباری رسیدگی و رأی داوری اعلام شد اما در خصوص اعتبار امر قضاوت شده هر دعوا باید منوطاً به تاریخ تقدیم دادخواست دانست و انگهی رأی بر بی‌اعتباری رأی داور هنوز قطعی نشده و باطلح رأی داور بر فسخ، دستکم به‌عنوان مبرای و مبنای احراز اعتبار امر قضاوت شده در زمان تقدیم دادخواست معتبر بوده است دوم در خصوص دعوی استرداد مال‌الشرکه نیز با عنایت به اینکه مجموعاً و از اسباب و منطوق رأی فوق‌الذکر چنین مستفاد می‌شود که دادگاه عقیده‌ای به وقوع فسخ ندارد پس به تبع دعوایی که مبتنی بر فسخ اثبات نشده باشد نیز استماع نمی‌شود در نتیجه به استناد مواد ۲ (بند ۴) ۸۴-۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان را صادر می‌نماید این تصمیمات حضوری و بیست روز پس از ابلاغ در دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدنظر خواهی است.

رئیس شعبه ۳ حقوقی دادگاه عمومی اسلامشهر - رضایی نژاد

رای دادگاه تجدید نظر

تجدیدنظر خواهی آقای الف. الف. با وکالت آقای ح.ب. به‌طرفیت آقای الف. الف. نسبت به دادنامه شماره ۵۷۹-۹۲/۵۹۲/۳۱ شعبه سوم دادگاه عمومی اسلامشهر می‌باشد. به‌موجب دادنامه مذکور دعوی تجدیدنظر خوانده به خواسته ابطال رأی داوری موضوع قرارداد مشارکت در ساخت ۴/۶/۹۱ با این استدلال که شخص داور غیر از مدیریت مشاور املاک می‌باشد و فسخ قرارداد در حقوق ایران فقط در موارد مطروحه پیش‌بینی شده نیز در این قرارداد تاریخ فسخ معلوم نگردیده و علاوه بر آن درخواست از داور و رأی فاقد تاریخ بوده همچنین مشخصات داور با ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مطابقت ندارد مورد اجابت قرار گرفته و در مقابل دعوی آقایان الف. الف. - ب.ب. الف. و الف. س. به خواسته تنفیذ فسخ قرارداد با این استدلال که رسیدگی موازی توسط داور صورت گرفته منجر به صدور قرار رد دعوی شده است به نظر این دادگاه اعتراض بلاوجه و متکی به دلیل نیست نکته قابل‌تأمل در قراردادهایی که شرط داوری در حل اختلاف پیش‌بینی شده این است که به لحاظ عدم استقلال شرط از اصل قرارداد داور نمی‌تواند رأی به انحلال قرارداد دهد زیرا با این فرض، شرط داوری نیز به تبع قرارداد زوال خواهد یافت و داوری که سمت خود را از دست داده در مورد اصل قرارداد نخواهد توانست اتخاذ تصمیم کند در خصوص تقدیمی دادخواست موازی با درخواست تقدیمی به داور نیز دادگاه نخستین صحیحاً مبادرت به صدور قرار نکرده است بنابراین با رد اعتراض مستنداً به مواد ۳۵۳ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته را تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

عشقعلی - جمشیدی